



بررسی جایگاه خشوع در نماز و نقش آن در تحقق روح عبادی شریعت اسلامی

پوهنمل محبوب الله حازم

دیارتمنت فقه و قانون، پوهنځی شرعیات- پوهنتون بدخشان،

mahboobullahhazim92@jmail.com

<https://orcid.org/0009-0001-8790-9537>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

پوهنمل نعمت الله حسینیور

دیارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون بدخشان

nematullahhusaini68@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0009-3953-9074>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

نماز، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین ارکان عملی دین اسلام، جایگاه ویژه‌ای در شریعت دارد و در این میان، خشوع به‌مثابه روح و جوهره‌ی نماز، از اهمیت بسزایی برخوردار است. قرآن کریم مؤمنان رستگار را کسانی می‌داند که در نمازشان خاشع‌اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه و حکم خشوع در نماز، به پرسش اصلی «خشوع در نماز چه حکمی دارد؟» و سایر پرسش‌های مرتبط می‌پردازد. روش تحقیق در این مطالعه توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که خشوع، مقصود اصلی از اقامه‌ی نماز و عامل اصلی تأثیرگذاری آن بر قلب و روان انسان است. در حقیقت، نماز بدون خشوع همانند بدنی بی‌روح است که آثار معنوی آن به شدت کاهش می‌یابد. این تحقیق با تأکید بر اهمیت رعایت خشوع در نماز، آن را شرط کمال و روح عبادت معرفی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اهمیت، حکم، خشوع، نماز.

کلیدواژه‌ها: اهمیت، حکم، خشوع، نماز، خضوع

An Analytical Study of the Status of *Khushu* in Prayer and Its Role in Realizing the Spiritual Essence of Islamic Worship

Author Mahboobullah Hazim
Email Lecturer at the sharia faculty of Badakhshan university
Orcid mahboobullahazim92@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0001-8790-9537>

Author Nematullah "Husainpoor"
Email Lecturer at the sharia faculty of Badakhshan university
Orcid nematullahusaini68@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0009-3953-9074>

Abstract

Prayer (*Ṣalāh*) holds a central position as one of the greatest practical pillars of Islam. Among its essential components, *Khushū* (devout humility) is regarded as the soul and essence of prayer and carries profound significance in Islamic teachings. The Holy Qur'an describes the successful believers as those who are humble in their prayers. This study aims to examine the status and legal ruling of *Khushū* in prayer, addressing the central question: "What is the ruling of *Khushū* in prayer?" along with related inquiries. The research employs a descriptive-analytical method and is based on library sources. Findings indicate that *Khushū* is the primary objective of prayer and the key element that imparts spiritual impact on the human heart and soul. Without *Khushū*, prayer becomes like a lifeless body, lacking its intended spiritual effect. The study concludes that observing *Khushū* is essential for attaining the perfection and spiritual essence of worship in Islamic law.

Keywords: Importance, Ruling, *Khushū*, Prayer, *Khudū* (humility).

مقدمه

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی سید الانبیاء والمرسلین وعلی آله وصحبه اجمعین، اما بعد: قال الله تعالی: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (البقرة: ۴۵) و از صبر و نماز یاری جوید و براستی که نماز جز برای خاشعان، گران و دشوار است) از آنجاییکه دشمن خدا؛ ابلیس ملعون با خود عهد بست تا بنی آدم را در گمراهی و انحراف بی اندازد و گفت: ﴿تُمْ لَا يَتَّبِعُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ﴾ (الاعراف: ۱۷).

از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان می‌روم (همواره یکی از بزرگترین نیرنگ‌های او این بوده تا با انواع و اقسام وسایل و روش‌های گوناگون و وسوسه انسان را از نمازش منحرف کرده یا به تشویش و اضطراب بی اندازد تا لذت این عبادت بزرگ را از آنها محروم نماید و اجر و ثوابشان را نابود سازد.

لذا لازم است که برای مبارزه با این وسوسه‌ها و رسیدن به این امر مطلوب (خشوع) تلاش کنیم و تمامی اسباب شرعی را که ما را به نتیجه‌ی مطلوب می‌رساند بکار گیریم و موانعی که ما را از آن هدف مهم دور می‌سازد، دفع نماییم و حکم شرعی و تکلیف خود در قبال آن را بدانیم.

تبیین مسأله

یکی از صفات حمیده که مؤمنان را به رستگاری می‌رساند، خشوع در نماز است که از این طریق قلب مؤمن و نفسش آرام می‌گیرد، کمتر به این سو و آن سو توجه می‌نماید، و مؤدبانه در پیشگاه پروردگارش می‌ایستد، و همه آنچه را که می‌گوید انجام می‌دهد، و به خاطر می‌آورد، و از اول نمازش تا آخر آن بدان توجه دارد، و با این کار وسوسه‌ها و افکار بی ارزش را از خود دور می‌گرداند، اما متأسفانه این امر مهم، از لحاظ اجرایی کمتر مورد توجه نماز گذاران قرار می‌گیرد در حالیکه غفلت و بی‌اعتنایی به آن، سبب نقصان، بطلان و یا کاهش اجر و ثواب نماز خواهد شد.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: حکم خشوع در نماز چیست؟

پرسش‌های فرعی

۱- عوامل خشوع و موانع آن کدام‌ها اند؟

۲- مسئولیت مسلمانان در قبال آن چیست؟

اهمیت تحقیق

نماز که از یک طرف ستون دین و رکن دوم آن است از طرف دیگر اقامه‌ی آن طبق ارشاد قرآن کریم جز خاشعین برای دیگران دشوار می‌باشد پس اهتمام و توجه به مسأله‌ی خشوع موجب سهولت در ادا‌ی این عبادت بزرگ گردیده سبب اجر و پاداش بیشتر خواهد شد و علاوه بر آن سبب خواهد شد که اشتباهات و سهوها در نماز کاهش یابد، بنا براین، خشوع در نماز از اهمیت زیادی برخوردار بوده جایگاه رفیع و بلندی در دین دارد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی: بیان حکم خشوع در نماز.

اهداف فرعی

۱. بیان اهمیت خشوع و حکم ترک آن در نماز.

۲. بیان عوامل و موانع خشوع.

پیشینه‌ی تحقیق

از تحقیقاتی که در رابطه به موضوع خشوع در نماز صورت گرفته است موارد زیر را می‌توان نام برد. الخشوع في الصلاة - از دکتر محمد لطفی صباغ از سوریه، استاذ علوم القرآن و الحدیث در پوهنتون ملک سعود کشور ریاض، سال چاپ ۱۴۱۹ هـ، دار السلام، قاهره - مصر. الخشوع في الصلاة في ضوء الكتاب والسنة - از دکتر سعید بن علی بن وهف الفحطانی (ب ت) مطبوعه سفیر، ریاض - سعودی. در تحقیقات صورت گرفته بیشتر به اهمیت خشوع پرداخته شده و مسأله حکم آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است اما تمرکز اصلی تحقیق موجود پیرامون تبیین حکم خشوع در نماز می‌باشد که این امر از یک طرف نوآوری را نسبت به تحقیقات انجام شده بیان می‌کند و از جانب دیگر این تحقیق به زبان مردم محل که به آن تکلم می‌کنند و یا بلدیت کامل دارند صورت گرفته است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این بحث، توصیفی تحلیلی با استفاده از رویکرد کتابخانه‌ای می‌باشد که همراه با شناسایی منابع و مأخذ معتبر و مطابق با روش‌های معمول کودکان‌گذاری درون متنی همراه است. در آغاز این تحقیق بعد از مقدمه و عناصر آن از ارزشمند بودن خشوع و درجه اهمیت آن از بعد معنوی بحث گردیده سپس به بحث در جهات مختلف آن (اسباب، موانع و حکم) پرداخته شده است.

نتایج و یافته‌ها

الف: مفهوم لغوی خشوع: خشوع مصدر فعل خشع به معنای سکون، فروتنی و به معنای فرو داشتن چشم به طرف زمین است چنانکه ابن منظور در لسان العرب در این مورد آورده است: «خَشَعٌ يَخْشَعُ خُشُوعاً وَخَشَعٌ وَتَخَشَّعَ رَمَى بَبْصَرِهِ نَحْوَ الْأَرْضِ وَغَضَّهْ وَخَفَضَ صَوْتَهُ» (ابن منظور، ب: ت: ۷۱).

یعنی چشمش را رو به زمین کرد و آنرا فروداشت و صدایش را پایین آورد،
ب: مفهوم اصطلاحی خشوع: وَالْخُشُوعُ: هَيْئَةٌ فِي النَّفْسِ يَظْهَرُ مِنْهَا فِي الْجَوَارِحِ سُكُونٌ وَتَوَاضُعٌ. (قرطبی، ب: ت: ۳۷۴)

خشوع حالتی است در نفس که سکون و فروتنی در اعضا از آن پدید می‌آید.
راغب اصفهانی در کتاب خود (مفردات) آورده است: خشوع یعنی تضرع و زاری، با این تفاوت که بیشترین استعمال خشوع مربوط به حالت‌های است که در جوارح ظاهر می‌شود، اما بیشترین استعمال تضرع مربوط به حالت‌های است که در قلب بوجود می‌آید (اصفهانی، ۱۹۹۹: ۲۸۳).
شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: خشوع متضمن دو معنا است: اول: تواضع و خود را حقیر و کوچک شمردن، دوم: سکون و طمانینه. (ابن تیمیه، ب: ت: ۲۸) و امام ابن کثیر -رحمه الله- می‌گوید: خشوع یعنی آرامش، طمانینه، وقار، تواضع، و ترس از خداوند و توجه به وی (ابن کثیر، ۱۹۹۹: ۴۱۴).

ابن قیم -رحمه الله- نیز می‌گوید: خشوع، یعنی در کمال ذلت و با تواضع تمام در مقابل خداوند متعال ایستادن (ابن قیم، ب: ت: ۵۲۰). در تعریفات جرجانی آمده است: «الْخَاشِعُ الْمَتَوَاضِعُ لِلَّهِ بَقَلْبِهِ وَجَوَارِحِهِ» (جرجانی، ۱۴۰۵: ۱۲۸).

خاشع کسی است که با قلب و اعضای خود برای خداوند متعال تواضع کننده باشد.

اهمیت خشوع

خشوع روح نماز و مقصود اصلی آن است، و نماز بدون خشوع مانند بدن مرده ایست که روح آن قبض شده است، الله متعال از مؤمنان کسانی را رستگار معرفی می‌کند که در نمازهای شان خشوع داشته باشند آنجا که می‌فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ (المؤمنون: ۱-۲)

به راستی مؤمنان رستگار شدند، آنانی که در نمازشان خاشع اند.

مهم ترین سبب برای پذیرش نماز نزد الله متعال است چنانکه در حدیثی آمده است: (إِنَّ الْعَبْدَ لِيَصْلِيَ الصَّلَاةَ مَا يَكْتُوبُ لَهُ مِنْهَا إِلَّا عَشْرَهَا تُسَعُّهَا ثُمْنُهَا سَبْعُهَا سُدُسُهَا خُمُسُهَا رُبُعُهَا ثُلُثُهَا نِصْفُهَا) (سجستانی، ۱۴۳۰: ۲۶۷).

همانا بنده نماز می‌گزارد در حالیکه برایش جز یک دهم یا یک نهم یا یک هشتم یا یک هفتم یا یک ششم و یا یک پنجم یا یک چهارم یا یک سوم و یا نصف اجر و پاداش آن نوشته نمی‌شود. خشوع انجام عبادت را برای بنده آسان ساخته نسبت به آن علاقه مند می‌گرداند طوری که اله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (البقرة: ۴۵). برآستی که نماز جز برای خاشعان، گران و دشوار است.

شیخ عبد الرحمن بن ناصر السعدی -رحمه الله- در تفسیر این آیت می‌گوید: ادای نماز برای خشوع کننده بسیار سهل است زیرا خشوع و ترس از الله متعال و امیدوار بودن به آنچه که نزد وی است موجب آن می‌شود که بنده بخاطر توقع ثواب و ترس از مواخذة، عبادت را با خاطر آرام و سعه صدر انجام بدهد به خلاف کسی که خشوع نداشته باشد چون انگیزه خشوع (خوف و رجا) وجود ندارد بناء ادای نماز برایش بسیار دشوار و گران می‌گردد. (السعدی، ۱۴۲۰: ۵۱).

گناهان صغیره به سبب خشوع محو شده موجب قبولیت عبادت و دعا می‌گردد، به روایتی از عثمان -رضی الله عنه- نقل شده است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرموده اند: (ما من امرئ مسلم تحضره صلاة مكتوبة فيحسن وضوءها وخشوعها وركوعها، إلا كانت كفارة لما قبلها من الذنوب ما لم يؤت كبيرة وذلك الدهر كله). (نیشاپوری، ۱۳۷۴: ۱۴۲).

یعنی هر فرد مسلمانی که وقت نماز فرضی را دریافت؛ وضو، خشوع و رکوع آنرا به وجه احسن انجام داد، این عمل وی سبب کفاره‌ی تمام گناهانش می‌گردد تا زمانی که مرتکب گناه کبیره نگردد، و همه‌ی اوقات این گونه خواهد بود.

خشوع و تواضع برای الله متعال از بزرگترین اسباب دخول جنت و نجات از آتش دوزخ است چنانکه الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (هود: ۲۳)

هما نا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند و در برابر پروردگارشان فروتن باشند، آنان اهل بهشت اند و برای همیشه در آنجا خواهند ماند.

محل خشوع: محل خشوع قلب است که ثمره و نتیجه‌ی آن در اعضاء و جوارح نمایان می‌شود زیرا که اعضاء تابع قلب می‌باشد. (الاسلامی، ۱۴۲۲: ۱۷). هرگاه خشوع قلب با غفلت و وسواس زایل شود، عبودیت اعضاء و جوارح نیز از بین می‌رود، پس قلب مانند فرمانروا و اعضاء مانند سربازان او می‌باشند که از وی امر می‌گیرند، هرگاه فرمانروا با فقدان عبودیت قلب خلع شد، رعیت نیز که همان جوارح اند نابود خواهند شد چنانکه در روایتی آمده است: (إِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ) (بخاری، ۱۴۰۷: ۲۰).

بدون شک در بدن قطعه گوشتی است که اصلاح آن سبب اصلاح تمام بدن است و فساد آن موجب تباهی تمام بدن خواهد شد و آن قطعه گوشت قلب می باشد.

اما اگر آثار خشوع در اعضا و جوارح نمایان شود ولی در قلب چیز از آن وجود نداشته باشد مثل اینکه کسی به تکلف تظاهر به خشوع نماید سر خود را پایین انداخته و به حالت گریه نمایان کند، این خشوع نفاق، مکر شیطانی و زینت دادن از جانب نفس بوده مذموم می باشد. (قرطبی، ۱۳۸۴هـ: ۳۷۵).

از زید ابن ارقم - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر - صلی الله علیه و سلم - در دعای خود می گفت: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يَسْتَجَابُ لَهَا. (نیشاپوری، ۱۳۷۴: ۸۱).

بار خدایا! از علمی که سودمند نباشد، از قلبی که خاشع نباشد، از نفسی که سیر نگیرد و از دعای که اجابت نشود؛ به تو پناه می برم.

پس همانقدر که نبود خشوع زشت است ظاهر کردن خشوع نیز شرعی نیست، یعنی مطلوب مورد نظر شرع؛ عدم تظاهر به خشوع و وجود اخلاص در عبادت است، و از جمله نشانه های اخلاص پنهان کردن خشوع است. ابن قیم می گوید: خشوع نفاق (خشوع همراه با ریا) اینست که انسان خشوع را به صورت تصنعی و ظاهری بر جوارح خود بروز می دهد اما قلب او خاشع نباشد. (ابن قیم، ب ت: ۳۱۴).

یکی از شرایط پذیرفتن عمل صالح این است که از ریا و خودنمایی پاک و طبق سنت باشد، هرکس به منظور خودنمایی عبادت کند، مرتکب شرک اصغر گشته است، و عملش تباه و نابود می گردد. چنانکه رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرموده اند: مَنْ صَلَّى يُرَائِي فَقَدْ أَشْرَكَ، وَمَنْ صَامَ يُرَائِي فَقَدْ أَشْرَكَ، وَمَنْ تَصَدَّقَ يُرَائِي فَقَدْ أَشْرَكَ (شیبانی، ۱۴۲۱: ۳۶۴).

هرکه برای نشان دادن، نماز بگزارد، روزه بگیرد و صدقه بدهد شرک ورزیده است.

اگر کسی از ابتدا عملی را خالصانه برای خداوند شروع نمود، سپس بر آن ریا و خودنمایی طاری گشت، در این صورت ریا محسوب نمی گردد. (ابن کثیر، ۴۹۴: ۱۴۲۰).

مظاهر خشوع در نماز: از مظاهر خشوع نظر کردن به سجده گاه و بلند نکردن چشم به طرف آسمان و عدم التفات به جهت راست و چپ و هم چنان عدم حرکت و مصروفیت به لباس و اعضای بدن و غیره اشیاء می باشد، ترک این موارد و عدم اهتمام و توجه به آنها منافی خشوع می گردد؛ ابن عباس - رضی الله عنه - فرموده است: ادای دو رکعت نماز با تفکر بهتر از آن است که شب را با عبادت سپری کرده شود و قلب غافل باشد. (بغوی، ۱۴۰۳: ۲۶۱)

سلمان فارسی - رضی الله عنه - گفته است: نماز به مثابه‌ی پیمانه است پس هر که آنرا پوره ادا کرد برایش (ثواب) پوره داده می‌شود و هر کس در آن کاستی آورد به یقین شما آنچه را که الله متعال در مورد نقصان کننده‌گان پیمانه گفته است می‌دانید. (بعوی، ۱۴۰۳: ۲۶۱). از عایشه - رضی الله عنها - روایت است که گفت: از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در مورد التفات در نماز پرسیدم؟ پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: هُوَ اخْتِلَاسٌ يَحْتَلِسُهُ الشَّيْطَانُ مِنْ صَلَاةِ الْعَبْدِ. (بخاری، ۱۴۰۷: ۱۱۹۸).

التفات (نگاه کردن به هر طرف بغیر محل سجده گاه) دزدی است که شیطان بوسیله آن از نماز بنده اختلاس می‌کند.

اسباب کسب خشوع: همانطور که گفته شد، خشوع یکی از اهداف مورد مطلوب در عبادات و از جمله در نماز است، و هر اندازه که خشوع بیشتر باشد، به همان نسبت، اجر و ثواب نماز بالا خواهد رفت لذا شایسته است که بعضی از اسباب رسیدن به این هدف مهم ذکر شود. آنچه که موجب خشوع و تقویت آن خواهد شد:

۱ - آماده شدن برای نماز: این امر نیز با پاسخ دادن به اذان مؤذن و دعا و ادعیه‌ی مأثور بعد از آن، وضو درست و کامل انجام دادن و لباس مناسب پوشیدن و رفتن به سوی مسجد با حالت وقار و آرامش، و خواندن نماز تحية المسجد و انتظاری برای اقامه‌ی نماز و مشغول شدن به دعا بین اذان و اقامه و راست کردن صفوف و احساس حضور بین خود و ملک الملوک بوجود خواهد آمد.

از عقبه بن عامر - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر - صلی الله علیه - فرموده است: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَتَوَضَّأُ فَيَحْسِنُ وُضُوْءَهُ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَصَلِّي رَكَعَتَيْنِ مُقْبِلٌ عَلَيْهِمَا بِقَلْبِهِ وَوَجْهِهِ إِلَّا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. (نیشاپوری، ۱۳۷۴: ۱۹۲)

هر مسلمانی که به وجه احسن وضو خود را انجام بدهد و پس از آن دو رکعت نماز را با حضور قلب خویش ادا نماید، جنت برایش لازم خواهد شد.

۲ - حضور قلب و انجام نماز با حالت نشاط: زیرا خداوند متعال در ذم منافقین می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى﴾. (النساء: ۱۴۲). و چون منافقان به سوی نماز برخیزند، با کسالت بر می‌خیزند.

یعنی درحالی نماز می‌خوانند که کاهل، کسل، دل مرده و گرانبارند، نه به ثوابی امیدوارند و نه از عذابی بیمناک، تبلی و سستی آنان بدان خاطر است که دلهای شان به نماز علاقه ندارد، و اگر دلهای آنان از علاقه به خدا و آنچه نزد خداست، و از ایمان تهی نبود، تبلی و سستی به آنان روی نمی‌آورد (السعدی، ۱۴۲۰: ۲۱۰).

۳- تدبر و اندیشه کردن در معانی آیات تلاوت شده و اذکار نماز: آیات قرآن کریم برای اندیشه و تدبر در آنها نازل شده اند،

چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ص: ۲۹).

کتابی مبارک است که آنرا بر تو نازل کرده ایم، تا در آیاتش بیندیشند و خردمندان از آن پند گیرند یعنی حکمت از فرو فرستادن قرآن این است که مردم در آیه‌های آن تفکر نمایند و علم و دانش آنرا بیرون آورند و در اسرار و حکمت‌های آن تدبر نمایند، (السعدی، ۱۴۲۰: ۷۱۷)

۴- قرائت قرآن به صورت ترتیل، و زیبا تلاوت کردن آن: یکی از مواردی که موجب حصول خشوع است: قرائت صحیح و به دور از اشتباه می‌باشد، که معمولاً با رعایت قواعد ترتیل بدست می‌آید، چنانکه الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ (المزمل: ۴).

و قرآن را به ترتیل بخوان. یعنی: آنرا با تأنی همراه با تدبر، شمرده شمرده و حرف به حرف بخوان. ۵- کامل کردن رکوع و سجده، سکون و آرامش در آنها: این امر موجب خشوع در نماز است و اخلال در آن، نماز را باطل می‌کند، یعنی اگر کسی در رکوع یا سجده سکون کافی نداشته باشد، بلافاصله و بدون آرامش کافی در آنها، وارد رکن بعدی گردد، نمازش باطل خواهد شد، و برای رعایت این امر لازم است تا مفاصل نمازگزار برای مدتی در رکوع، سجود و قیام، از حرکت بی‌افتند،

علما حداقل مدت آنرا، به مدت زمانی که یک بار سبحان الله گفته شود، تخمین زده اند .. و شایسته است که تسبیحات در سجود از سه بار کمتر نباشد، امام ترمذی -رحمه الله- گفته است: عمل اهل علم بر این بوده و مستحب می‌دانند که در رکوع و سجود از سه بار تسبیح کمتر نباشد. ترک طمانینه و عجله نمودن در ادای نماز که قیام، رکوع، سجود و سایر ارکان آن به درستی ادا نگردد سبب از بین رفتن خشوع گردیده و رسول گرامی اسلام -صلی الله علیه وسلم- چنین نماز را نماز منافق و همچو نماز گزار را دزد معرفی نموده است، چنانکه روایت شده است که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرموده است: تلك صلاة المنافق، يجلس يرقب الشمس حتى إذا كانت بين قرني الشيطان، قام فقرها أربعا، لا يذكر الله فيها إلا قليلا (نیشاپوری، ۱۳۷۴: ۴۳۴).

این نماز منافق است که می‌نشیند و منتظر آفتاب (طلوع و غروب آفتاب) می‌باشد تا آنکه آفتاب در میان دو شاخ شیطان قرار گیرد (نماز را از وقتش تاخیر می‌نماید تا اینکه آفتاب طلوع و یا غروب نموده و اوقات مکروهه و محرمه داخل شود) این شخص برخاسته چهار بار منقار می‌زند (مانند مرغ دانه می‌چیند و سجود خویش را تکمیل نمی‌کند) الله تعالی را در این نماز اندک یاد می‌نماید.

روایت شده است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده است: *أَسْوَأُ النَّاسِ سَرِقَةً الَّذِي يَسْرِقُ صَلَاتَهُ* "قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ يَسْرِقُ صَلَاتَهُ؟ قَالَ: " لَا يُؤِمُّ رُكُوعَهَا وَلَا سُجُودَهَا (البیهقی، ۱۴۲۴: ۵۳۹).

بدترین مردم از حیث دزدی، آن دزد است که از نماز خود دزدی می نماید، اصحاب کرام گفتند: یا رسول الله! چگونه از نمازش دزدی می کند؟ پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: رکوع و سجود نماز را تکمیل نمی کند.

اصحاب سنن روایت نموده اندکه: پیامبر - صلی الله علیه وسلم فرموده است: *لَا تُجْزِي صَلَاةَ لَا يُقِيمُ الرَّجُلُ فِيهَا صَلَاتَهُ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ* (ابن ماجه، ۱۴۳۰: ۴۷).

نمازگزار که پشت خود را در رکوع و سجود، راست و برابر نکند، آن نماز کفایت نمی کند) مسؤولیت این شخص با ادای چنین نماز به انجام نرسیده مسؤول خواهد بود).

۶ - یادآوری مرگ در نماز: در هنگام نماز مرگ به یادت آید، زیرا کسی که در نماز مرگ را به یاد می آورد سعی می کند تا نمازش را خوب ادا کند؛ مثل انسانی نماز بگزار که گمان ندارد که به غیر آن، دیگر نماز بخواند؛ چنانکه به این ارتباط پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در ضمن سفارش های خود برای شخصی فرموده است: *إِذَا قُمْتَ فِي صَلَاتِكَ، فَصَلِّ صَلَاةَ مُودَعٍ* (ابن ماجه، ۱۴۳۰: ۲۷۰).

یعنی هنگامی که در نماز خود استاد می شوی، نماز بخوان مثل اینکه آخرین نماز باشد.

۷ - گذاشتن ستره جلوی خود به هنگام نماز: یکی از مواردی که موجب حصول خشوع در نماز است، گذاشتن ستره جلوی سجده گاه نمازگزار و خواندن نماز به سوی آن است تا مانع عبور دیگران از جلو نمازگزار شود و وی را از نگاه کردن به آن سوی ستره برحذر دارد، زیرا این امور موجب تشویش نمازگزار و کاهش اجر و ثواب وی خواهد شد.

از سهل بن ابی حثمه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: *إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ إِلَى سُتْرَةٍ فَلْيَتَدَنَّ مِنْهَا، لَا يَقْطَعُ الشَّيْطَانُ عَلَيْهِ صَلَاتَهُ*. (سجستانی، ۱۴۳۰: ۲۷).

هرگاه یکی از شما خواست رو به ستره نماز بخواند پس باید به آن نزدیک شود تا شیطان نمازش را قطع نکند.

امام نووی - رحمه الله - می گوید: حکمت ستره در این است که چشم نمازگزار را از نگاه کردن به آن سوی ستره حفظ می کند و نمی گذارد کسی از جلوی او رد شود و شیطان را از تعرض به او برای ابطال نماز باز می دارد. (النووی، ۱۳۹۲: ۲۱۶).

۸- دوری از مصروفیت‌ها هنگام اراده نماز: از مواردی که به کسب خشوع در نماز کمک می‌نماید؛ فارغ شدن از مشاغل و مصروفیت‌ها است یعنی قبل از شروع به نماز باید از هر نوع مصروفیت دوری و اجتناب گردد تا به فکر آرام به ادای نماز پردازد

امام بخاری -رحمه الله- در صحیح خود حدیثی را روایت نموده است که رسول الله-صلی الله علیه وسلم فرموده اند: إِذَا وُضِعَ الْعِشَاءُ، وَأُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، فَأَبْدُوا بِالْعِشَاءِ (ابن ماجه، ۱۴۳۰: ۹۱) هنگامی که غذای شب نهاده شده و به تعقیب آن اقامه‌ی نماز گفته شد، باید به صرف غذا پردازید. حکم حدیث شامل تمام اوقات و تمام نمازها می‌گردد زیرا مقصود از آن قطع رابطه با خارج از نماز است که باید در همه حالات و اوقات متحقق باشد. ابو درداء رضی الله عنه رفع حاجت پیش از آغاز به نماز را از نشانه‌ی فقاقت شخص معرفی نموده می‌گوید: من فقه الرجل أن يبدأ بحاجته قبل دخوله في الصلاة، ليدخل في الصلاة وقلبه فارغ. (الصَّبَاغ: ۱۴۱۹: ۵۹)

قبل از داخل شدن به نماز پرداختن به حاجت (رفع احتیاجات و ضروریات) نشانه‌ی فقاقت مرد است تا در نماز با قلب فارغ داخل شود (قلب در داخل نماز متعلق به هیچ کاری نباشد) ۹- نگاه کردن به محل سجده: از موارد مهم دیگر که به حصول خشوع در نماز کمک می‌کند، نگاه کردن به محل سجده در وقت قیام است. از انس -رضی الله عنه- روایت است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- برایش فرمود: يَا أَنَسُ اجْعَلْ بَصْرَكَ حَيْثُ تَسْجُدُ. (البیهقی، ۱۴۲۴: ۴۰۱). ای انس! چشم خود را درجای قرار بده که آنجا سجده می‌نمایی.

در هنگام نشستن برای تشهد، انگشت اشاره رو به قبله باشد و به آن نگاه نماید، چنانکه روایت شده که هرگاه پیامبر -صلی الله علیه وسلم- برای تشهد می‌نشست فَوَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى فَخْذِهِ وَأَشَارَ بِأُصْبُعِهِ الَّتِي تَلِي الإِبْهَامَ إِلَى الْقُبْلَةِ وَرَمَى بَبَصَرِهِ إِلَيْهَا أَوْ نَحْوَهَا. (ابن خزیمه، ۱۴۱۲: ۳۵۵). دست راستش را بالای ران خویش می‌گذاشت و با انگشت اشاره اش به طرف قبله اشاره می‌کرد و به آن می‌نگریست.

در مورد اینکه آیا بستن چشم در وقت نماز برای حصول خشوع جایز است یا خیر؟ باید گفت: آنچه مسلم است؛ پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در نماز چشمانش را بسته نمی‌کرد، بنا براین بستن چشمها در هنگام ادای نماز برخلاف سنت نبوی است و این عمل (بستن چشم)، سنت نگاه به سجده گاه و انگشت اشاره را از او می‌گیرد. اگر چشم باز، مانع از خشوع نشود، پس این بهتر است، اما اگر باز کردن چشمها موجب می‌شود که خشوع دست نیافتنی باشد، مثلاً در جلوی چشم نمازگزار تصاویر و یا چیزهای دیگر پر زرق و برق وجود دارد که موجب تشویش قلب او می‌گردند، در این حالت به طور قطع بستن چشمها مکروه نخواهد بود، بلکه در این حال استحباب بستن چشم

به اصول و مقاصد شریعت نزدیکتر است تا مکروه بودن آن، و خداوند به آن آگاهتر است. (ابن قیم، ب ت: ۲۹۴).

مواردی که مانع از خشوع خواهند شد

۱- در مکان نمازگزاری چیزهای وجودداشته باشد که نمازگزار را به خود مشغول نماید: وجود اشیای رنگارنگ و پر زرق و برق و امثال آنها در جای که نماز خوانده می شود، موجب خواهد شد که نگاه نمازگزار به سوی آنها منحرف شود، برای همین امر، پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «لَيْسَ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ شَيْءٌ يَشْغَلُ الْمَصْلِيَّ». (سجستانی، ۱۴۳۰: ۳۶۱).

نباید در خانه چیزی باشد که نمازگزار را به خود مشغول سازد.

از انس -رضی الله عنه- روایت است که عائشه -رضی الله عنها- پرده ای داشت که با آن قسمتی از خانه اش را پوشانده بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به او فرمود: «أَمِيطِي عَنَّا قِرَامَكَ هَذَا، فَإِنَّهُ لَا تَزَالُ تَصَاوِرُهُ تَعْرِضُ فِي صَلَاتِي» (بخاری، ۱۴۰۷: ۱۴۷).

این پرده ات را از جلوی چشم ما دور کن، زیرا تصاویرش مرا در نماز مشغول می کند.

همچنین نمازگزار باید از اماکنی که در آنجا رفت و آمد هست و جاهای پر سر و صدا، یا کنار کسانی که صحبت می کنند، یا مجلسی که بسیار شلوغ است و هر آنچه که انسان را به خود مشغول می کند پرهیز نماید و در چنین مکانهایی نباید نماز بخواند، همچنین در جاهای بسیار گرم و بسیار سرد از ادای نماز خودداری کند، بهتر است که ادای نماز را خصوصاً نماز جماعت پیشین را به تاخیر اندازند، چنانکه از ابوهریره -رضی الله عنه- روایت است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمود: (إِذَا أَشَدَّ الْحَرُّ فَأَبْرِدُوا بِالصَّلَاةِ، فَإِنْ شَدَّ الْحَرُّ مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ) (بخاری، ۱۴۰۷: ۱۹۸). هنگام شدت گرما، نماز را تا وقت خنک شدن هوا به تأخیر اندازید؛ چون شدت گرما از حرارت جهنم است.

۲- نمازگزار نباید در لباسی که دارای نقوش رنگارنگ و یا نوشته ها و تصاویری که او را از نماز غافل کند، نماز بخواند.

عائشه -رضی الله عنها- روایت می کند که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در لباسی که دارای نقش و نگار بود، نماز خواند و نظرش به نقشهای آن افتاد، پس از اتمام نماز، فرمود: (اَذْهَبُوا بِخَمِيصَتِي هَذِهِ إِلَى أَبِي جَهْمٍ، وَأَتُونِي بِأَنْبِجَانِيَةِ أَبِي جَهْمٍ، فَإِنَّهَا أَلْهَتْنِي عَنْ صَلَاتِي) (بخاری: ۱۴۰۷: ۱۴۶).

این لباس را برای ابی جهم ببرید و لباس زبر و بی نقش و نگار (انبجانیه) او را برایم بیاورید؛ چون لحظه ای پیش این نقش و نگارها، توجه مرا از نماز، بسوی خود جلب کرد.

۳ - وقتی که غذا حاضر است نماز خوانده نشود: از عایشه -رضی الله عنها- روایت است که فرمود: از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- شنیدم که می فرمودند: (لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ الطَّعَامِ). (نیشاپوری، ۱۳۷۴: ۱۷). یعنی در حالت حاضر بودن طعام، نمازی نیست.

هنگامی که غذا حاضر شد و جلوی او گذاشته شد، شروع به خوردن کند چون اگر استاده شود و نماز بخواند در حال نماز به فکر غذا هست، و یا گرسنگی وی را مشغول کرده و نمازش بی خشوع خواهد شد پس نباید عجله کند تا آنکه نیازش را برطرف کند.

۴- در حالتی که ادرار و مدفوع به نمازگزار فشار می آورد نماز نخواند: بدون شک یکی از مواردی که موجب عدم حصول خشوع است، تحت فشار بودن نمازگزار به ادرار و مدفوع است، و لذا پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نهی کرده است که شخصی درحالی نماز بخواند که تحت این فشارها قرار داشته باشد؛ چنانکه در بخش دوم حدیث قبلی به روایت عایشه -رضی الله عنها- چنین آمده است: لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ الطَّعَامِ وَلَا وَهُوَ يُدَافِعُهُ الْأَخْبَثَانِ. (نیشاپوری، ۱۳۷۴: ۱۷). در حالت حاضر بودن طعام و در حالتی که نمازگذار را بول و براز تحت فشار قراردهد، نماز نیست.

در چنین حالاتی ضروری است که اول مشکل پیش آمده را رفع نماید گرچند نماز جماعت یا چند رکعت از آن فوت شود، زیرا پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: (إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَذْهَبَ الْخَلَاءَ وَقَامَتِ الصَّلَاةُ فَلْيَبْدَأْ بِالْخَلَاءِ) (سجستانی، ۱۴۳۰: ۵۵).

اگر کسی قضای حاجت داشت و نماز اقامه شد، اول قضای حاجت کند، بعدا نماز بخواند. و اگر در وسط نماز به چنین حالتی دچار شد باید نماز را قطع و قضای حاجت کند و وضو بگیرد و نماز بخواند، با گرفتاری در چنین حالت (تحت فشار ادرار و مدفوع) نماز نخواند زیرا نماز درست نمی باشد طوری که حکم این موضوع در حدیث که عایشه -رضی الله عنها- آن را روایت نموده بود قبلا بیان گردیده که: در هنگام آمده بودن غذا و تحت فشار ادرار و مدفوع، نمازی (درست) نیست.

۵ - در هنگام غلبه‌ی خواب نماز نخواند: انس -رضی الله عنه- می گوید: پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمود: (إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَنْتُمْ حَتَّى يَعْلَمَ مَا يَقْرَأُ). (بخاری، ۱۴۰۷: ۸۶). هر گاه به یکی از شما در نماز، پینکی (مقدمه خواب، گرانی در چشم) آمد، (نمازش را قطع کند) و بخوابد (و پس از آن، نماز بخواند) تا بداند که چه می خواند.

البته این حالت معمولاً در نماز شب رخ می دهد و ممکن است او در آن لحظه بدلیل خواب آلودگی نداند و بر خودش دعا کند. علما فرموده اند که حکم این حدیث مشمول نمازهای پنجگانه

نیز می‌شود، البته به شرطی که این اطمینان وجود داشته باشد که نمازگزار وقت نماز را از دست ندهد. (ابن حجر، ۱۳۷۹: ۳۱۵).

۶ - مشغول نشدن به هموارکردن محل سجده و حرکات زیاد در نماز: معیقیب -رضی الله عنه - می‌گوید: رسول الله -صلی الله علیه وسلم- درباره‌ی کسی که خاکهای مکان سجده اش را هموار می‌کرد، فرمود: «إِنْ كُنْتَ قَاعًا فَوَاحِدَةً». (بخاری، ۱۴۰۷: ۴۰۶).

اگر می‌خواهی این کار را انجام بدهی، یک بار کافی است. دلیل این نهی محافظت بر خشوع است تا در نماز حرکات زیاد انجام نشود، و اگر مکان سجده نیاز به صاف کردن داشت بهتر است قبل از نماز این کار را انجام داد.

همچنین بازی و حرکت زیاد هنگام نماز آفتی است دیگر که تعداد بی شماری از نمازگزاران به آن مبتلا هستند. همه فقهاء به این اتفاق دارند که حرکات زیاد و متوالی بی مورد گرچند سهوا هم باشد نماز را باطل می‌کند (الزحیلی، ب ت: ۲۰۰).

۷ - سعی کند جلوی خمیازه را بگیرد: رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: (إذا تشاءب أحذکم فی الصلاة فلیکظم ما استطاع فإن الشیطان یدخل). (نیشاپوری، ۱۳۷۴: ۸۰).

هرگاه یکی از شما در نماز خمیازه کشید تا می‌تواند دهانش را ببندد، زیرا شیطان وارد می‌شود. و هرگاه شیطان داخل شد بهتر می‌تواند برای نمازگزار تشویش ایجاد کند و خشوع نماز را از بین ببرد.

خمیازه کشیدن غالباً در اثر سنگینی بدن و انباشتن آن (از غذا و نوشیدنی) و سستی و میل به کسالت ایجاد می‌شود، و آنچه که برای رفع خمیازه مشخص شده است، این است که غذا و نوشیدن را کمتر کند.

اینها مواردی بودند که امید است نمازگزار با مراعات آنها به نتیجه مطلوب که همانا خشوع و حضور قلب بیشتر در هنگام اقامه‌ی نماز است، برسد و اجر و ثواب بیشتری نصیب خود نماید و نمازش موجب کفاره‌ی گناهانش گردد.

البته لازم به ذکر است که انسان هر اندازه خشوع داشته باشد و برای آن تلاش کند، باز ممکن است که گاهی در نمازش مرتکب سهو و خطا گردد، چرا که رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- و یارانش نیز گاهی در نماز خود دچار سهو می‌شدند، با وجود اینکه آنها بیشتر از هر کس دیگری در نماز خود خشوع داشتند. در این وضعیت شریعت جامع اسلام احکامی را وضع نمود تا نمازگزار بتواند به وسیله‌ی انجام آن، سهو و خطای خود را جبران کند، و آن، احکام مربوط به سجده سهو است.

حکم خشوع در نماز: آیا خشوع از جمله فرائض نماز است و یا جزو فضایل (مستحبات) و مکمل آن؟

علمای بزرگوار اسلام در خصوص حکم خشوع در نماز دو رأی مختلف دارند؛ بعضی از علما همانند امام نووی و حافظ ابن حجر گفته اند که خشوع از جمله‌ی مستحبات و سنت است، و امام غزالی در کتاب خود «إحياء علوم الدين» و دسته‌ای دیگر از علما مانند امام ابن تیمیه گفته اند که واجب است.

الف) دلایل کسانی که قایل بر وجوب خشوع در نماز هستند: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾ (النساء: ۸۲)

آیا در آیات قرآن نمی‌اندیشند؟ و مسلماً اندیشیدن و تدبر در قرآن بدون تمرکز بر معنای آن متصور نخواهد بود.

و می‌فرماید: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ (طه: ۱۴).

نماز را برای یاد و ذکر من پیادار.

غفلت و عدم خشوع با ذکر و یاد خدا در تضاد است، و لذا می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ﴾ (الاعراف: ۲۰۵).

و از جمله‌ی غافلان مباش. یعنی: از غافلان ذکر و یاد خدای عزوجل و از غافلان قرائت در نماز نباش.

از طرفی، مقصود اصلی از نماز، تلفظ آیات و اذکار و ادعیه‌ی داخل آن نیست، بلکه مقصود حقیقی؛ معانی آنها هستند، و اگر نمازگزار معانی الفاظی را که بر زبان می‌آورد درک نکند و در آنها فرو نرود، مقصود اصلی نماز را ترک گفته است.

از جمله دلایل که بروجوب خشوع در نماز دلالت دارد این حدیث شریف است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده است: لَا يَزَالُ اللَّهُ مُقْبِلًا عَلَى الْعَبْدِ فِي صَلَاتِهِ مَا لَمْ يَلْتَفِتْ، فَإِذَا صَرَفَ وَجْهَهُ انْصَرَفَ عَنْهُ. (النسائی، ۱۴۲۱ هـ: ۳۷).

الله متعال، درحالت نماز پیوسته متوجه بنده‌ی خود است تا زمانی که بنده به این طرف و آن طرف نگاه نکند، هنگامی که به راست و چپ نگریست، الله متعال از وی اعراض می‌کند.

اعراض الله متعال از بنده که خشوع را در نماز خویش رعایت نکرده دلیل واضح برآن است رعایه خشوع در نماز واجب و ضروری بوده ترک آن گناه است.

همچنان در حدیث دیگری وارد شده است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند: إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهُ يُنَاجِي رَبَّهُ... (نیشاپوری، ۱۳۷۴: ۴)

هنگامی که یکی از شما در نماز باشد پس با پروردگارش راز و نیاز دارد.

این حدیث مقتضی آنست که نماز گزار باید حضور قلبی داشته باشد زیرا مناجات بدون حضور قلب حاصل نمی‌شود.

از دلایل که وجوب خشوع در نماز را فهمیده می‌شود این فرموده الله متعال است: ﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ (الماعون: ۴-۵). هلاک باد نمازگزاران که از نماز خویش بی‌خبرند.

ابن قیم -رحمه الله- در تفسیر این آیت می‌گوید: مقصود از سهو از نماز در آیت ترک آن نیست زیرا اگر هدف این باشد پس نماز گزار گفته نمی‌شدند، بلکه هدف از آن، سهو از واجبات نماز است از عدم رعایت وقت و یا ترک خشوع و حضور و اخلاص در نماز است (ابن قیم، ب ت: ۵۲۷).

از معاذ ابن جبل -رضی الله عنه- روایت است که گفت: مَنْ عَرَفَ مَنْ عَلَى يَمِينِهِ وَ شِمَالِهِ مُتَعَمِّدًا وَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ. (غزالی، ب ت: ۱۶۰).

هر که در نماز از روی عمد بفهمد چه کسی در طرف راست و چپش قرار گرفته است نماز او نماز نیست.

و حسن بصری -رحمه الله- می‌فرماید: «كُلُّ صَلَاةٍ لَا يَحْضُرُ فِيهَا الْقَلْبُ فَهِيَ إِلَى الْعُقُوبَةِ أَسْرَعُ». یعنی هر نمازی که در آن حضور قلب وجود نداشته باشد، به مجازات نزدیکتر است. عبد الواحد بن زید می‌گوید: علما اجماع کرده اند بر اینکه چیزی نصیب بنده‌ی نمازگزار نخواهد شد مگر آن مقدار که در آن توجه داشته است. (غزالی، ب ت: ۱۶۱)

شیخ الاسلام ابن تیمیه -رحمه الله- در مجموع الفتاوی چنین می‌گوید: خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (البقره: ۴۵). از صبر و از نماز یاری جوئید و براستی که نماز جز برای خاشعان، گران و دشوار است.

و این فرموده‌ی الله متعال مقتضای سرزنش غیر خشوع کنندگان است، از جانب دیگر سرزنش به سبب ترک واجب یا انجام عمل حرامی خواهد بود، پس از آنجایی که غیر خاشعین مورد سرزنش واقع شده اند نتیجتاً این امر دلالت بر وجوب خشوع در عبادت است، و همچنین این فرموده‌ی الله متعال دلیل بر وجوب خشوع است: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ تاجیکه می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (۱۰) الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (مؤمنون: ۱۰-۱۱).

براستی که مؤمنان رستگار شدند کسانی که در نمازشان خاشع اند .. آنان وارثان هستند، همان کسانی که بهشت را به ارث می‌برند و جاودانه در آن ماندگارند .

خداوند متعال خبر داده که آنها (خاشعان) بهشت را به ارث می‌برند و این مقتضای این حقیقت است که غیر آنها فردوس را به ارث نخواهند برد، و این دلالت بر وجوب این خصلت دارد، چرا که اگر مستحب می‌بود می‌بایست فردوس بدون آن به ارث می‌رسید،

زیرا بهشت بوسیله‌ی انجام عمل واجبات بدست می‌آید نه مستحبات، و به همین خاطر چیزی در مورد این خصلت ذکر نمی‌شود مگر آنکه واجب باشد. بنابر این خشوع در نماز واجب است و این متضمن سکون، آرامش و تواضع است، و کسی که در سجده مانند پرنده منقار می‌زند و یا کسی که هنوز از رکوع بلند نشده به سجده می‌رود در حقیقت خشوع را رعایت نکرده، و در نمازش آرامش و سکون نگرفته است، زیرا سکون طمانینه است و کسی که طمانینه نداشته باشد سکون و آرامش هم ندارد و هر که سکون نداشته باشد خشوع هم نخواهد داشت و کسی که خاشع نباشد گناهکار و عاصی است زیرا این اعمال با خشوع در نماز منافات دارند. (ابن تیمیه، ۱۴۲۶: ۵۵۳ - ۵۵۸). دلیل دیگری بر واجب بودن خشوع در نماز این است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- کسی را که در نماز از خود حرکات اضافی انجام می‌داد هشدار داده و سرزنش کرده است چنانکه فرموده است: « مَا لِي أَرَاكُمْ رَافِعِي أَيْدِيَكُمْ كَأَنَّهُمْ أَذْنَابُ خَيْلٍ شُمْسٍ اسْكُنُوا فِي الصَّلَاةِ » (نیشاپوری، ۲۰۲: ۱۳۷۴).

چرا شما را می‌بینم که دست‌های خود را بلند کننده هستید مانند دم‌های اسپان در آفتاب قرار گرفته، در نماز آرام باشید.

ب) دلایل کسانی که می‌گویند خشوع در نماز سنت است: پیامبر -صلی الله علیه وسلم- به کسی که در نمازش دچار سهوی می‌شود امر نموده تا سجده‌ی سهو بجا آورد ولی او را به تکرار نماز امر نکرده است، چنانکه فرموده است: (إِذَا أَدْنَى الْمُؤَذِّنُ بِالصَّلَاةِ أَدْبَرَ الشَّيْطَانُ وَلَهُ ضُرَاطٌ، حَتَّى لَا يَسْمَعَ التَّأَذُّينَ، فَإِذَا قَضَى التَّأَذُّينَ أَقْبَلَ، فَإِذَا ثَوَّبَ بِالصَّلَاةِ أَدْبَرَ، فَإِذَا قَضَى التَّوْبَةَ أَقْبَلَ، حَتَّى يَخْطُرَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَنَفْسِهِ، يَقُولُ: أَذْكَرُ كَذَا.. أَذْكَرُ كَذَا، مَا لَمْ يَكُنْ يَذْكُرْ، حَتَّى يَظَلَّ لَا يَدْرِي كَمْ صَلَّى، فَإِذَا وَجَدَ أَحَدَكُمْ ذَلِكَ فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ وَهُوَ جَالِسٌ). (بخاری، ۱۴۰۷: ۶۹).

هرگاه مؤذن برای نماز اذان می‌گوید، شیطان فرار می‌کند و از عقب خود هوا خارج می‌کند تا صدای اذان را نشنود. و هرگاه اذان تمام شد، بر می‌گردد، و اگر اقامه گفته شد باز فرار می‌کند، و دوباره پس از اتمام آن، بر می‌گردد تا میان انسان و نفس او و سوسه اندازد و می‌گوید: فلان مسئله و فلان مسئله و ... را به خاطر بیاور، و همه‌ی آنچه را که فراموش کرده است به یادش می‌آورد و او را چنان سرگرم می‌کند که نداند چند رکعت خوانده است، پس هرگاه یکی از شما دچار چنین حالتی شد در آخر دو سجده‌ی سهو نماید.

دیده می‌شود که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در چنین نمازی که شیطان نماز گزار را در آن به غفلت می‌اندازد تا جایی که نمی‌داند چند رکعت خوانده است، امر می‌کند تا دو سجده‌ی سهو بجای آورد مگر او را به تکرار نماز امر نمی‌کند، و اگر واقعا نماز به سبب غفلت و عدم خشوع باطل شود، پس حتما پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نمازگزار را به تکرار نمازش امر می‌کردند. (ابن قیم، ۱۹۷۳: ۵۲۸ - ۵۳۰).

همین طور فقها اجماع کرده اند که خشوع بخش از شروط صحت نماز نیست. و امام نووی - رحمه الله - نیز اجماع علما را مبنی بر اینکه خشوع واجب نیست نقل کرده است (ابن حجر، ۱۳۷۹: ۲۲۶). لذا نتیجه این می‌شود که خشوع واجب نیست، بلکه سنت و فضیلت است، چنانکه امام نووی - رحمه الله - در کتابش (المجموع شرح المذهب) آورده است: خشوع و خضوع در نماز و تدبیر و توجه در قرائت و اذکار آن و آنچه که متعلق به نماز است و همچنان دوری از افکاری که متعلق به آن نیست، تمام این امور مستحب می‌باشند، و اگر در چیزی غیر از نماز به تفکر بپردازد و این افکار زیاد شود، نمازش مکروه خواهد شد، و تفاوتی ندارد که در امورات مباح فکر کند یا حرام مانند نوشیدن شراب و ... (و قولی که می‌گوید: هرگاه تفکر نفس زیاد شود، نماز باطل می‌گردد، قول مردود و شاذی است، چرا که اجماع نقل شده است که این امر نماز را باطل نمی‌کند، اما بر کراهت آن اتفاق نظر وجود دارد. (النووی، ب ت: ۱۱۴).

نکته ای که لازم است مدنظر گرفته شود این است که آنانی که قایل بر استحباب خشوع در نماز اند، حکم اجزاء آنرا مورد بررسی قرار داده اند نه حکم ثواب و قبول آنرا چنانکه امام رازی در رد قول آنها می‌گوید: ... حضور قلب در نماز، نزد ما شرط اجزاء آن نیست، بلکه شرط برای قبولی آن است، منظور از اجزاء؛ یعنی قضای نماز واجب نمی‌شود، منظور از قبولی، حکم ثواب نماز است.

(نماز بدون خشوع قضا نداشته اما ثوابی بر آن مرتب نمی‌گردد)، فقهای که قایل بر استحباب خشوع اند، حکم اجزاء آنرا مورد بررسی قرار می‌دهند نه حکم ثواب و قبولی اش را، ولی غرض ما در اینجا حکم ثواب نماز است، سپس آنرا با بیان مثالی روشن نموده می‌گوید: مثال بیرونی آن این است: کسی که لباسی را از شما به قرض بگیرد سپس آنرا به نحو احسن پس بدهد، او از عهدهی آن خلاص شده و مستحق ستایش نیز است، اما کسی که آنرا بر وجهی نامناسب و تحقیر آمیز باز گرداند، او قرض خود را ادا کرده اما مستحق سرزنش است. پس همین طور اگر کسی در هنگام ادای عبادت حضور قلبی و جسمی کامل داشته باشد او فرضش را بجای آورده و مستحق ثواب است، ولی کسی که چنین نباشد، او ظاهرا فرض را انجام داده، اما مستحق سرزنش است (نه ثواب) (رازی، ۱۴۲۰: ۲۶۰).

در مجموع بنظر می‌رسد که رأی آلوسی به صواب نزدیکتر باشد، چنانکه می‌گوید: خشوع شرط صحت نماز است، اما نه در کل آن، بلکه (حداقل) در قسمتی از نماز. (آلوسی، ۱۳۷۰: ۲۰۷). بنابر این حداقل چیزی که در مورد خشوع در نماز می‌توان گفت، این است که خشوع و حضور قلب در آن واجب است هرچند که در یک بخش از نماز باشد اما از فضل و کرم الله تعالی برای بندگانش است که خشوع را شرط صحت و رکن نماز قرار نداده است که ترک آن موجب اعاده نماز گردد، اگر در هیچ قسمتی از نماز خشوعی وجود نداشته باشد و خشوع کاملاً ترک گردد نماز باطل است، و بنظر می‌رسد این رأی صحیح‌تر باشد، چرا که خشوع روح نماز است، و اگر نماز اصلاً خشوع نداشته باشد بمانند مرده‌ای است که روح ندارد، و آن نماز مردود و نمازگزار مستحق سرزنش خواهد شد، و خداوند تعالی به آن آگاه‌تر است.

حکم نماز بدون خشوع: بر طبق رأی کسانی که خشوع و حضور قلب را واجب می‌دانند، نمازی که بدون خشوع باشد باید تکرار شود، چنانکه ابن حامد از علمای حنبلی چنین گفته است، ولی جمهور فقها خلاف آنرا گفته‌اند.

امام ابن قیم -رحمه الله- در مورد نماز بدون خشوع که آیا نماز محسوب می‌شود یا خیر؟ گفته است: در اجر و ثواب چیزی از نماز (برای نمازگزار) محسوب نمی‌شود، جز آن مقدار که در آن توجه داشته و برای پروردگارش خاشع بوده است. چنانکه ابن عباس -رضی الله عنهما- گفته است: (لَيْسَ لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ إِلَّا مَا عَقَلْتَ مِنْهَا) (ابن تیمیة، ۱۴۲۶: ۶۰۳-۶۱۲).

برای تو چیزی (ثوابی) از نمازت نیست مگر در قسمتی از آن که توجه داشته‌ای.

خداوند تعالی رستگاری نمازگزاران را به خشوع در نمازشان مشروط کرده، و این دلالت دارد بر اینکه هرکس خشوع نداشته باشد از رستگاران نیست، اما از نظر احکام دنیوی و اینکه تکرار نماز لازم است یا خیر؟ (می‌گوییم) اگر خشوع در نماز بیشتر (از غفلت در آن) باشد در این حالت به اجماع علما نماز محسوب می‌شود، و نمازهای سنت و اذکار بعد از آن، نواقص نماز را جبران و کامل می‌کنند. ولی اگر (غفلت) بر خشوع و توجه در نماز غالب گردد، در این حالت علما در مورد واجب بودن تکرار نماز باهم اختلاف نظر دارند.

ابن قیم -رحمه الله- عدم تکرار نماز را ترجیح داده می‌گوید: اگر شما (که قایل بر تکرار نماز بدون خشوع هستید) تکرار نماز را برای رسیدن به این نتایج و فواید واجب می‌دانید، نمازگزار می‌تواند نمازش را تکرار کند تا آنها را بدست آورد، و اگر او این فواید و ثمرات را نمی‌خواهد پس تکرار هم نمی‌خواهد و نمازش درست است، و اگر منظور شما از واجب بودن تکرار نماز این باشد که حتماً واجب است وگرنه مجازات خواهد شد و احکام تارک نماز بر وی مرتب می‌شود، باید

گفت که: این قول صحیح نیست و قول دوم (یعنی عدم وجوب تکرار نماز) راجح است. والله اعلم. (ابن قیم، ۱۹۷۳: ۵۲۸ - ۵۳۰).

همچنین شیخ الاسلام ابن تیمیه -رحمه الله- در خصوص این سوال که آیا نماز باید تکرار شود یا خیر؟ همان قول ابن عباس -رضی الله عنه- «لَيْسَ لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ إِلَّا مَا عَقَلْتَ مِنْهَا» را ذکر نموده می گوید: آیا (غفلت) نماز را باطل می کند و موجب تکرار نماز می باشد؟ این امر بستگی دارد به اینکه اگر غفلت در نماز کمتر از حضور قلب باشد و حضور قلب غالب باشد، در این حالت تکرار نماز واجب نیست، هرچند که ثواب آن ناقص خواهد شد، زیرا نصوص شرعی به تواتر رسیده است که سهو در نماز، آنرا باطل نمی کند بلکه به وسیله ی دو سجده سهو جبران می شود. اما اگر غفلت بر حضور قلب غلبه کند، در این حالت علما دو قول مختلف دارند:

اول: نماز در باطن صحیح نیست هرچند که در ظاهر صحیح است؛ زیرا مقصود از نماز حاصل نشده است و شبیه نمازی است که با ریا و نشان دادن به مردم خوانده شود که نماز ریاکارانه به اتفاق علما در باطن موجب خلاص شدن از تکلیف نیست.

بر اساس قول دوم: نمازگزار از مسؤولیت خلاص می شود و تکرار نماز بر او واجب نمی باشد، هرچند که اجر و ثوابی به او تعلق نمی گیرد، و این مانند روزه ی کسی است که در حال روزه دار بودن از دروغ و اعمال نادرست پرهیز نمی کند که در این حالت روزه ی او باطل نبوده مگر خود را از اجر آن بی نصیب کرده است، طرف داران این نظریه از این حدیث استدلال کرده اند که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرموده است: (إِذَا نُودِيَ بِالصَّلَاةِ أَدْبَرَ الشَّيْطَانُ وَلَهُ ضُرَاطٌ، حَتَّى لَا يَسْمَعَ التَّأَذِينَ، فَإِذَا قُضِيَ التَّأَذِينَ أَقْبَلَ، فَإِذَا ثَوَّبَ بِالصَّلَاةِ أَدْبَرَ، فَإِذَا قُضِيَ التَّوْبِيبُ أَقْبَلَ، حَتَّى يَخْطُرَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَنَفْسِهِ، يَقُولُ: أَذْكَرَ كَذَا.. أَذْكَرَ كَذَا، مَا لَمْ يَكُنْ يَذْكُرْ، حَتَّى يَظُلَّ لَا يَدْرِي كَمْ صَلَّى، فَإِذَا لَمْ يَدْرِ أَحَدُكُمْ كَمْ صَلَّى ثَلَاثًا أَوْ أَرْبَعًا أَوْ خَمْسًا فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ وَهُوَ جَالِسٌ). (بخاری، ۱۴۰۷هـ: ۶۹).

هرگاه برای نماز اذان داده شد، شیطان فرار می کند و از عقب خود، هوا خارج می کند تا صدای اذان را نشنود. و هرگاه اذان تمام شد، بر می گردد، و اگر اقامه گفته شد باز فرار می کند، و دوباره پس از اتمام آن، بر می گردد تا نمازگزاران را دچار وسوسه کند و می گوید: فلان مسئله و فلان مسئله و ... را به خاطر بیاور، و همه ی آنچه را که فراموش کرده است به یادش می آورد و او را چنان سرگرم می کند که نداند چند رکعت خوانده است، پس هرگاه یکی از شما نداند که سه رکعت، چهار رکعت و یا پنج رکعت خوانده است، در آخر نماز درحالت نشسته دو سجده ی سهو ببرد.

در این حدیث خبر داده که شیطان چیزهای را به یاد نمازگزار می‌آورد به گونه‌ای که نمی‌داند چند رکعت نماز خوانده است، پیامبر -صلی الله علیه وسلم- این نماز گزار را به انجام دو سجده به جهت سهوی که مرتکب شده دستور می‌دهد ولی وی را به تکرار نماز امر نمی‌کند، فرقی بین (غفلت و سهو) کم یا زیاد وجود ندارد. این رأی میانه تر است؛ زیرا نصوص و آثار شرعی بر این دلالت دارند که تنها اجر و ثواب مشروط به حضور قلب هستند و دلالت بر تکرار نماز نمی‌کنند (القحطانی: ب ت: ص ۴۷).

نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق مبین آن است که یکی از اموری که برای بندگان الله متعال در تمام عبادات به خصوص در نماز لازم می‌باشد، خشوع است. خشوع به معنای حالت تواضع و ادب جسمی و روحی همراه با حب یا خوف است و یا حالتی است در نفس که سکون و فروتنی در اعضا از آن پدید می‌آید، پس خشوع در نماز یعنی با فروتنی و حضور قلب نماز را به جا آوردن است، خشوع و حضور قلب دو عنصر اساسی در نماز هستند که می‌توانند نمازگزار را به خداوند متعال نزدیک‌تر نموده و به سوی تکامل معنوی و اخلاقی سوق دهند.

نماز خواندن در مکان مناسب، انجام مستحبات نماز، درک حضور خداوند به هنگام نماز، توجه به بزرگی و عظمت خداوند در حین نماز، یادآوری مرگ در نماز، کامل کردن رکوع و سجده و سکون و آرامش در آنها. حضور قلب و انجام نماز با حالت نشاط، پرهیز از ارتکاب گناه و نپرداختن به امور لغو و بیهوده از راهکارهای ایجاد و کسب خشوع در نماز است.

خواندن نماز در جایی که ذهن و قلب انسان را به خود مشغول می‌کند، مکان‌های پرسروصدا، جاهای زیاد گرم و سرد، غلبه‌ی خواب، فشار ادرار و مدفوع، غفلت از یاد خدا، ارتکاب گناه، غرور و تکبر، بازی بالباس و بدن، بدون محل سجده به جاهای دیگر نگرستن، خواندن نماز در وقت حضور غذا، خمیازه و فاجه کشیدن زیاد و ... را از موانع حصول خشوع در نماز می‌توان تام برد. بعضی از علما مانند امام نووی و حافظ ابن حجر، خشوع در نماز را از مستحبات، فضایل و سنت نماز گفته‌اند؛ برخی دیگری از علماء مثل امام غزالی و امام ابن تیمیه آن را از واجبات نماز می‌دانند، اما آنچه که به صواب نزدیکتر است این است که خشوع و حضور قلب در آن واجب است هرچند که در یک بخش از نماز باشد.

در خصوص حکم ادای نماز بدون خشوع نیز دو دیدگاه متفاوت وجود دارد که آیا به ترک خشوع اعاده و تکرار نماز واجب است و یا خیر؟ قول راجح آن است که نمازگزار با ادای چنین نماز از مسؤولیت خلاص می‌شود و تکرار نماز بر او واجب نمی‌باشد، هرچند که اجر و ثوابی به او تعلق نمی‌گیرد، و مانند روزه دار است که از دروغ و اعمال ناشایست پرهیز نکرده به غیر گرسنگی و

تشنگی کشیدن که در این حالت روزه او باطل نیست ولی خود را از اجر آن بی نصیب کرده است.

پیشنهاده‌ها

باتوجه به بررسی های انجام شده در این تحقیق، موارد زیر را به منظور اهتمام هرچه بیشتر به رعایت خشوع پیشنهاد می‌دارم:

- ۱- علماء، امامان مساجد و خطباء، اهمیت و حکم خشوع و خضوع در نماز را برای مردم تبلیغ نمایند؛
- ۲- روش عملی نماز به طریقه‌ی سنت برای جوانان و نوجوانان و عام مردم آموخته شود؛
- ۳- مقاله‌های به ارتباط اهمیت خشوع، جایگاه و حکم آن در نماز و سایر عبادات تهیه و نشر گردیده و به دست رس مردم قرار داده شود و همچنان بنرهای حاوی این مطالب در مساجد، مکاتب و مراکز تعلیمی جهت استفاده همگان نصب گردد؛
- ۴- از آنجاکه انسان خالی از اشتباه نیست بنا بر این به خوانندگان گرامی پیشنهاد می‌گردد که در صورت مشاهده‌ی کدام خطا و اشتباه در این نوشتار، آنرا نادیده انگاشته در اصلاح آن همکاری نمایند.

منابع

قرآن کریم

- ابن تیمیه، تقی‌الدین أحمد بن عبد‌الحلیم الحرانی، (۱۴۲۶)، مجموع الفتاوی، بیروت: دار الوفاء .
- ابن حجر العسقلانی، محمد بن علی بن محمد (۱۳۷۹) فتح الباری، بیروت: دار الفکر.
- ابن خزیمه، محمد بن إسحاق بن خزیمه (۱۳۹۰)، صحیح ابن خزیمه، بیروت: المکتب الإسلامی.
- ابن قیم الجوزیه، محمد بن أبی بکر أبوب الزرعی (۱۹۷۳)، مدارج السالکین، بیروت: دار الکتب العربی .
- ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن یزید القزوی (۱۴۳۰)، سنن ابن ماجه، تحقیق: شعب الأرنؤوط، بیروت: دار الرسالة العالمیة.
- ابن منظور جمال‌الدین، محمد بن مکرم بن منظور (---)، لسان العرب، القاهرة: دارالمعارف.
- بخاری، ابو عبد الله محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغیره (۱۴۰۷هـ)، الصحیح البخاری، بیروت: دار ابن کثیر.
- البغوی، الحسین بن مسعود (۱۹۸۳م)، شرح السنة، - دمشق - بیروت: المکتب الإسلامی.
- البیهقی، أحمد بن الحسین بن علی، أبو بکر البیهقی (۱۴۲۴هـ)، السنن الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- الرازی، أبو عبد الله محمد بن عمر (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۳۰)، سنن ابی داود، بیروت: دار الرسالة العالمیة.
- السعدی: عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله، (۲۰۰۰ م)، تیسیر الکریم الرحمن، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- السلامی، زین‌الدین عبد الرحمن بن أحمد بن رجب، (۱۴۲۲)، روائع التفسیر، السعودیة، دار العاصمة.
- الشیبانی، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل (۱۴۲۱هـ)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- غزالی، أبو حامد محمد بن محمد بن محمد، (----)، احیاء علوم‌الدین، بیروت: دار المعرفة .
- القحطانی، سعید بن علی بن وهف (---)، الخشوع فی الصلاة فی ضوء الكتاب والسنة، ریاض؛ مطبعة سفیر.
- قرطبی، محمد بن أحمد بن أبی بکر بن فرح، (۱۳۸۴)، الجامع لأحكام القرآن، القاهرة: دار الکتب المصریة -

النسائی، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب، (١٤٢١هـ)، السنن الكبرى، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة.

النووي، أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف، (١٣٩٢هـ)، شرح النووي على صحيح مسلم، بيروت : دار إحياء التراث العربي.

النووي، أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف (---)، المجموع شرح المذهب، بيروت: دارالفكر.

نیشاپوری، مسلم بن الحجاج، (١٣٧٤)، صحيح مسلم، بيروت: دار إحياء التراث العربي.